






تینگی و گاوها

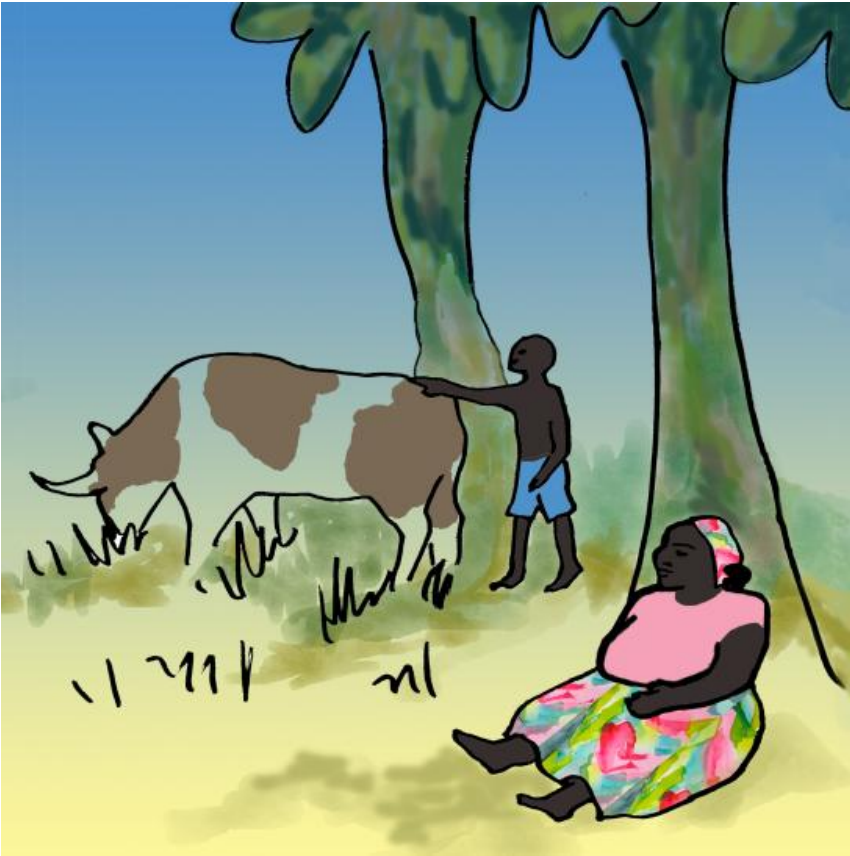
-  Ingrid Schechter
-  Ingrid Schechter
-  Marzieh Mohammadian Haghghi
-  Persian
-  Level 2



تینگی با مادر بزرگش زندگی می‌کرد.



او عادت داشت که با مادر بزرگ از گاوها مراقبت کند.



پک روز سربازها آمدند.



آنها گاوها را با خودشان بُردند.



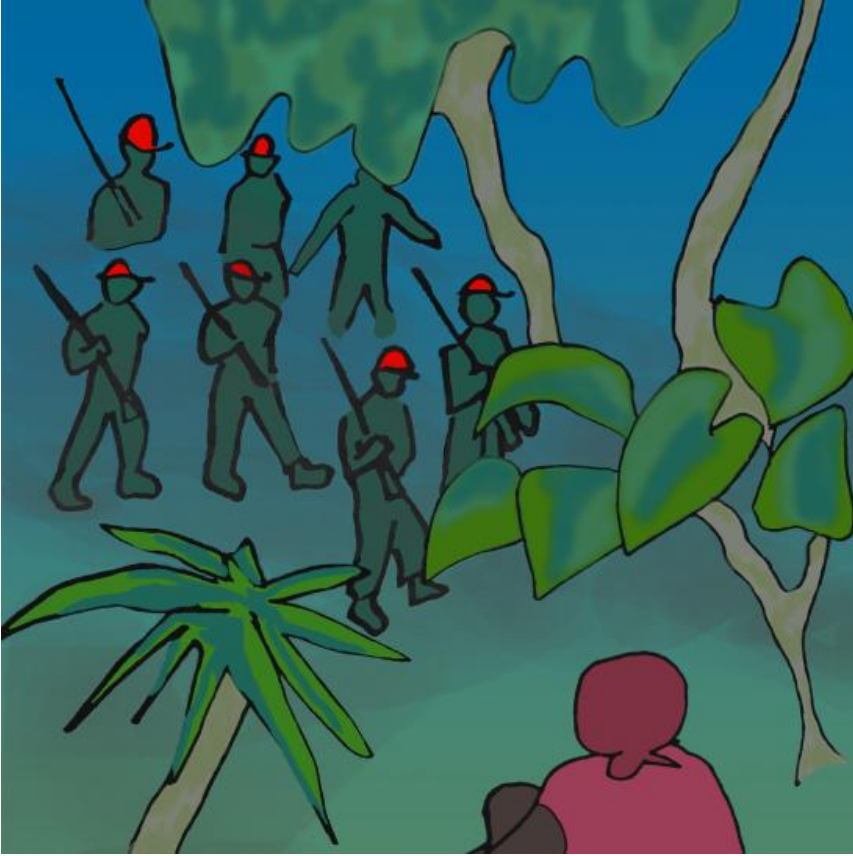
تینگی و مادر بزرگش فرار کردند و پنهان شدند.



آنها در یک بوته تا شب مخفی شدند.



سربازها دوباره برگشتند.



مادر بزرگ تینگی را زیر برگ ها قایم کرد.



پکی از سربازها پایش را دُرُست رویِ تینگی
گذاشت ولی او ساکت ماند.



وَقْتِي كِه هَمه چيز آرام شُد، تينگی و مادر بزرگش
بيرون آمدند.



آنها خیلی آرام به خانه رفتند.





Storybooks D.C.

global-asp.github.io/storybooks-dc

تینگى وَ گاوها

Written by: Ingrid Schechter

Illustrated by: Ingrid Schechter

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghighi

This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by [Storybooks D.C.](https://global-asp.github.io/storybooks-dc) in an effort to provide children's stories in DC's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 3.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/).